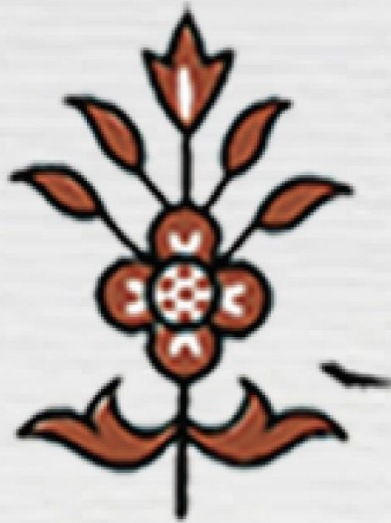




بسته مستندات سخنرانی «عزت دینی»

دهه سوم محرم ۱۴۰۵

این مجموعه، مستندات سخنرانی‌های استاد محترم، دکتر غلامی، در دهه سوم محرم ۱۴۰۵ را در بر می‌گیرد. در این بسته، آیات، روایات، حکایات و ارجاعات به منابعی که در هر جلسه مورد استناد قرار گرفته است، به‌منظور دسترسی آسان پژوهشگران و علاقه‌مندان، در قالب مجزا برای هر شب مستندسازی و تنظیم شده است.

• تولید محتوا و نگارش:

معاونت پژوهش بنیاد شهید پالیزوانی حجرتعالیه

• طراحی و صفحه‌آرایی:

معاونت رسانه بنیاد شهید پالیزوانی حجرتعالیه

جلسه ششم

مستندات قرآنی:

۱. «فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ»، این است خدا، پروردگار حقیقی شما، و بعد از حقیقت جز گمراهی چیست؟ پس چگونه [از حق] بازگردانیده می‌شوید؟ آیه شریفه ۳۲، سوره مبارکه یونس.

۲. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»؛ خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی به در می‌برد. و [الی] کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرورانشان [همان عصیانگران=] طاغوتند، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکی‌ها به در می‌برند. آنان اهل آتشند که خود، در آن جاودانند؛ آیه شریفه ۲۵۷، سوره مبارکه بقره.

۳. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»، ای مردم، شما به خدا نیازمندید، و خداست که بی‌نیاز ستوده است؛ آیه شریفه ۱۵، سوره مبارکه فاطر.

۴. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»،



و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم؛ آیه شریفه ۷۰، سوره مبارکه اسراء.

۵. «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»، همانان که غیر از مؤمنان، کافران را دوستان [خود] می‌گیرند. آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند؟ [این خیالی خام است،] چرا که عزت، همه از آن خداست؛ آیه شریفه ۱۳۹، سوره مبارکه نساء.

مستندات روایی:

۱. امیرالمؤمنین (علیه السلام): «الطَّامِعُ فِي وَثَاقِ الدُّلِّ»، طمعکار همواره زبون و خوار است؛ شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم، دار الهجره، ۱۴۰۷ ق، ص ۵۰۸، حکمت ۲۲۶.

۲. امام کاظم (علیه السلام): «قَالَ لَهُ رَجُلٌ أَوْصِنِي فَقَالَ لَهُ إِحْفَظْ لِسَانَكَ تَعِزَّ وَلَا تُمَكِّنَ النَّاسَ مِنْ قِيَادِكَ فَتَذِلَّ رَقَبَتُكَ»، مردی به ایشان عرض کرد مرا سفارشی نما، فرمود: زبانت را نگهدار تا عزیز باشی و افسار خود را به دست مردم مده که خوار و زبون شوی؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۱۱۳.

۳. امیرالمؤمنین (علیه السلام): «حُسْنُ خُلُقِ الْمُؤْمِنِ مِنَ التَّوَّاضِعِ وَجَمَالُهُ التَّعَفُّفُ وَشَرَفُهُ الشَّفَقَةُ وَعِزُّهُ تَرْكُ الْقَالِ وَالْقِيلِ»، خوی نیک مؤمن از فروتنی است و زیبائیش پاکدامنی است، شرفش مهربانیت، عزتش واگذاردن سر و صداست؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، تصحیح هدایت الله مسترحمی و دیگران، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش، ج ۷۴، ص ۲۶۸.

۴. امام صادق علیه السلام: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خِزْيًا أَجَرَىٰ فَضِيحَتَهُ عَلَىٰ لِسَانِهِ»، هر گاه خداوند خواری بنده را بخواهد، رسوائیش را بر زبانش جاری میکند؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، تصحیح هدایت الله مسترحمی و دیگران، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش، ج ۷۵، ص ۲۲۸.

۵. امیرالمؤمنین علیه السلام: «عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا رِفْعَةٌ وَإِيَّاكُمْ وَالْأَخْلَاقَ الدَّنِيَّةَ فَإِنَّهَا تَضَعُ الشَّرِيفَ وَتَهْدِمُ الْمَجْدَ»، اخلاق پسندیده در خود ایجاد کنید که موجب سربلندی است و از اخلاق زشت بپرهیزید که موجب خوار شدن اشخاص با شخصیت و نابودی شرافت می‌گردد؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، تصحیح هدایت الله مسترحمی و دیگران، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش، ج ۷۵، ص ۵۳.

۶. امیرالمؤمنین علیه السلام: «مَنْ تَكَبَّرَ عَلَى النَّاسِ ذُلٌّ»، هر کس به مردم تکبر کند، خوار شود؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش، ج ۸، ص ۱۹.

۷. امیرالمؤمنین علیه السلام: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ»، هر که نفسش در نزد خودش گرامی باشد آن را با گنهکاری خوار گرداند؛

آمدی، عبد الواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، تصحیح مهدی رجایی، قم، دارالکتاب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ ش، ص ۶۳۴.

۸. امام صادق علیه السلام: «أَثَامُنْ بِالنَّفْسِ النَّفِيسَةِ رَبِّهَا/ فَلَيْسَ لَهَا فِي الْخَلْقِ كُلِّهِمْ ثَمَنٌ»، همانا با خویشتن گرانبها و انسانیت گرانقدر خودم در همه هستی تنها يك چیز را قابل معامله می‌دانم و آن پروردگار است، دیگر در همه ماسوا بهایی که ارزش برابری داشته باشد وجود ندارد؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، تصحیح هدایت الله مسترحمی و دیگران، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش، ج ۴۷، ص ۲۵.

۹. امیرالمومنین علیه السلام: «وَأَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَإِنْ سَاقَتْكَ إِلَى الرِّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبْذُلُ مِنْ نَفْسِكَ عِوَضًا وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا»، خود را از هر پستی والاتر بدان، هر چند که آن فرومایگی تو را به منافع کلانی دعوت کند، زیرا تو آنچه را که از شخصیت خود، از دست بدهی، هرگز عوض آن را به دست نمی‌آوری و بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد قرار داده است؛ دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المومنین، قم، آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ق، ص ۲۸۶.

۱۰. امام صادق علیه السلام: «أَلْعِزُّ أَنْ تَذِلَّ لِلْحَقِّ إِذَا أَلْزَمَكَ»، عزت آن است که هرگاه با حق رو به رو شوی، در برابر آن خوار باشی؛

حلوانی، حسین بن محمد و ابن طاووس، علی بن موسی، نزهه
الناظر و تنبيه الخاطر، تحقیق محمدباقر موحد ابطحی، تصحیح
جلال طبیب پور، قم، مدرسه الإمام المهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸
ق، ص ۱۱۱.

۱۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله: «التَّذَلُّ لِلْحَقِّ أَقْرَبُ إِلَى الْعِزِّ مِنَ التَّعَزُّزِ
بِالْبَاطِلِ»، کسی که در مقابل حق خوار شود عزیزتر از آنست که به
باطل عزت جوید؛ نهج الفصاحه؛ مجموعه کلمات قصار حضرت
رسول صلی الله علیه و آله، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، دنیای دانش، چاپ
چهارم، ۱۳۸۲ ش، ج ۱، ص ۳۹۵.

۱۲. امام حسن عسکری علیه السلام: «مَا تَرَكَ الْحَقَّ عَزِيزًا إِلَّا ذَلٌّ وَلَا أَخَذَ بِهِ
ذَلِيلٌ إِلَّا عَزٌّ»، هر عزیزی که حق را ترك کند ذلیل می شود و هیچ
ذلیلی به حق چنگ نمی زند، جز این که عزیز می شود؛ مجلسی،
محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، تصحیح هدایت الله
مسترحمی و دیگران، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم،
۱۳۶۲ ش، ج ۷۵، ص ۳۷۴.

۱۳. امیرالمؤمنین علیه السلام: «مَنْ سَلََا عَنْ مَوَاهِبِ الدُّنْيَا عَزٌّ»، هر که از
بخشش های جهان درگذرد، عزیز گردد؛ آمدی، عبد الواحد بن
محمد، غررالحکم و درر الکلم، تصحیح مهدی رجایی، قم،
دارالکتاب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ ش، ص ۶۶۷.

۱۴. امام صادق علیه السلام: «لَا يَزَالُ الْعِزُّ قَلِقًا حَتَّى يَأْتِيَ دَارًا قَدْ اسْتَشَعَرَ أَهْلُهَا الْيَأْسَ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ فَيُوطِنُهَا»، عزت در اضطراب است تا وارد خانه‌ای می‌شود که مایوس هستند اهل آن خانه از آنچه مردم دارند. عزت در آن خانواده منزل می‌گیرد؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، تصحیح هدایت الله مسترحمی و دیگران، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش، ج ۷۵، ص ۲۰۶.

۱۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ طَلَبَ رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ جَعَلَ اللَّهُ حَامِدَهُ مِنَ النَّاسِ دَائِمًا»، هر کس خوشنودی مردم را به خشم خدا جوید، خداوند ستایش‌کننده او را نکوهش‌کننده‌اش قرار دهد؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۳۷۲.

۱۶. «سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَيُّ ذُلٍّ أَدْلُ قَالَ الْحِرْضُ عَلَى الدُّنْيَا»، از امیرالمومنین علیه السلام سوال شد کدام خواری بدتر است؟ فرمود: آزمندی به دنیا؛ ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۳۸۲.

۱۷. امام صادق (ع): «مَنْهُوْمَانِ لَا يَشْبَعَانِ مِنْهُوْمٌ عِلْمٌ وَ مَنْهُوْمٌ مَالٌ»، دو گرسنه سیر نمی‌شوند؛ گرسنه علم و گرسنه مال؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، تصحیح هدایت الله مسترحمی و دیگران، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش، ج ۷۰، ص ۱۶۱.

۱۸. رسول خدا (ص): «أَطْلُبُوا الْحَوَائِجَ بِعِزَّةِ الْأَنْفُسِ فَإِنَّ الْأُمُورَ تَجْرِي بِالْمَقَادِيرِ»، حوائج خویش را با عزت نفس بجوئید زیرا کارها جریان مقدر دارد؛ نهج الفصاحه؛ مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش، ج ۱، ص ۲۱۸.

۱۹. امیرالمؤمنین (ع): «الْقَنَاعَةُ تُؤَدِّي إِلَى الْعِزِّ»، قناعت شخص را بسوی ارجمندی می‌برد؛ آمدی، عبد الواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، تصحیح مهدی رجایی، قم، دارالکتاب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ ش، ص ۶۰.

۲۰. امام صادق (ع): «طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ إِسْتِلَابٌ لِلْعِزَّةِ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْحَيَاءِ وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ وَ الطَّمَعُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ»، حاجت خواستن از مردم موجب سلب عزت و رفتن حیا گردد و نومیدی از آنچه در دست مردم است موجب عزت مؤمن در دینش است و طمع همان فقر موجود است؛

طبرسی، علی بن حسن، مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار، نجف،
مکتبه الفقیه، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق، ص ۱۸۴.

۲۱. امام باقر علیه السلام: «مَنْ صَبَرَ عَلَى مُصِيبَةٍ زَادَهُ اللَّهُ عِزًّا إِلَى عِزِّهِ وَ
أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ مَعَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ أَهْلِ بَيْتِهِ»، کسی که در مقابل
مصیبت شکیبائی ورزد، خداوند عز و جل بر عزت او می افزاید و او
را با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش وارد بهشت می کند؛ مجلسی،
محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، تصحیح هدایت الله
مسترحمی و دیگران، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم،
۱۳۶۲ ش، ج ۷۹، ص ۱۲۸.

۲۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله: «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ
عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمُصِيبَةِ حَتَّى
يَرُدَّهَا بِحُسْنِ عَزَائِهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَلَاثِمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ
إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى الطَّاعَةِ
كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتِّمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ
تُخُومِ الْأَرْضِ إِلَى الْعَرْشِ وَ مَنْ صَبَرَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ
تِسْعِمِائَةَ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ تُخُومِ الْأَرْضِ
إِلَى مُنْتَهَى الْعَرْشِ»، صبر بر سه قسم است: صبر در مصیبت
و صبر بر طاعت و صبر از گناه، پس هر که بر مصیبت صبر کند تا
آن را با تسلی خوبی رد کند، خدا برایش ۳۰۰ درجه نویسد که
میان هر درجه تا درجه دیگر به اندازه فاصله میان آسمان و زمین

باشد و هر که بر طاعت صبر کند خدا برایش ۶۰۰ درجه نويسد که میان هر درجه تا درجه ديگر به اندازه فاصله میان قعر زمين تا عرش باشد و هر که از گناه صبر کند، خدا برایش ۹۰۰ درجه نويسد که میان هر دو درجه به اندازه فاصله میان قعر زمين تا پايان عرش باشد؛ کليني، محمد بن يعقوب، الکافي، تصحيح علي اکبر غفاري و محمد آخوندي، تهران، دارالکتب الاسلاميه، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۹۱.

۲۳. «كَتَبَ الْمَنْصُورُ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام لِمَ لَا تَغْشَانَا كَمَا يَغْشَانَا سَائِرُ النَّاسِ فَأَجَابَهُ لَيْسَ لَنَا مَا نَخَافُكَ مِنْ أَجْلِهِ وَ لَا عِنْدَكَ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ مَا نَرْجُوكَ لَهُ وَ لَا أَنْتَ فِي نِعْمَةٍ فَتُهَنِّيكَ وَ لَا تَرَاهَا نِعْمَةً فَتُعَزِّيكَ فَمَا نَصْنَعُ عِنْدَكَ قَالَ فَكَتَبَ إِلَيْهِ تَصْحَبْنَا لِنَتَّصَحَنَّا فَأَجَابَهُ مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا لَا يَنْصَحُكَ وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ لَا يَصْحَبُكَ»، منصور به جعفر بن محمد عليه السلام نامه‌ای نوشت که چرا شما مثل ساير مردم با ما رفت و آمد نمي‌کنی در جواب فرمود: ما ثروتي در اختيار نداريم که به واسطه حفظ آن از تو بترسيم، نزد تو در مورد آخرت چيزی نيست که به اميد آخرت بياييم نه در نعمتی هستی که برای تهنيت بياييم و نه آن موقعيت را تو بلا مي‌دانی که برای تسليت بياييم پس برای چه بياييم؟! منصور در پاسخ نوشت برای نصيحت پيش ما بيا. جواب داد هر کس به دنبال دنيا باشد تو را نصيحت نمي‌کند و هر کس جويای آخرت باشد با تو همنشين نمي‌شود؛

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، تصحیح هدايت
الله مسترحمی و دیگران، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ
دوم، ۱۳۶۲ ش، ج ۴۷، ص ۱۸۴ و ۱۸۵.

۲۴. أسماء بنت عمیس: «كُنْتُ صَاحِبَةَ عَائِشَةَ الَّتِي هَيَّأَتْهَا وَ
أَدْخَلَتْهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ مَعِيَ نِسْوَةٌ قَالَ فَوَ
اللَّهِ مَا وَجَدْنَا عِنْدَهُ قُوَّتًا إِلَّا قَدَحًا مِنْ لَبَنٍ فَشَرِبْتُ ثُمَّ نَاوَلَهُ عَائِشَةُ
قَالَتْ فَاسْتَحْيَتِ الْجَارِيَةَ فَقُلْتُ لَا تَرُدِّينَ يَدَ رَسُولِ اللَّهِ خُذِي مِنْهُ
قَالَتْ فَأَخَذَتْهُ عَلَى حَيَاءٍ فَشَرِبْتُ مِنْهُ ثُمَّ قَالَ نَاوِلِي صَوَاحِبَكَ
فَقُلْنَ لَا نَشْتَهِيهِ فَقَالَ لَا تَجْمَعْنَ جُوعًا وَ كَذِبًا قَالَتْ فَقُلْتُ يَا
رَسُولَ اللَّهِ إِنْ قَالَتْ أَحَدُنَا لَشَيْءٍ يَشْتَهِيهِ لَا نَشْتَهِيهِ أَيْعَدُ ذَلِكَ
كَذِبًا قَالَ إِنَّ الْكَذِبَ لَيُكْتَبُ حَتَّى يُكْتَبَ الْكُذْبِيَّةُ كُذْبِيَّةً.»، من

ساقدوش عایشه بودم که او را آماده کردم و به نزد رسول خدا ﷺ
بردم. عده ای از زنان نیز با من بودند. به خدا قسم، نزد رسول
خدا ﷺ خوراکی جز یک کاسه شیر نبود. رسول خدا ﷺ، مقداری شیر
نوشید و سپس کاسه را به دست عایشه داد. اسماء می گوید:
دختر [از گرفتن کاسه شیر] شرم کرد. من گفتم: دست رسول
خدا ﷺ را رد نکن، ظرف را بگیر. عایشه، با حالت شرم کاسه را
گرفت و مقداری شیر نوشید. حضرت سپس فرمود: به بقیه زنان
هم بده بنوشند. آن‌ها گفتند: ما میل نداریم. رسول خدا ﷺ
فرمود: گرسنگی و دروغ را با هم جمع نکنید. اسماء می گوید:
عرض کردم: ای رسول خدا! اگر کسی از ما میل به چیزی داشته

باشد و بگوید میل ندارم، آیا این دروغ به شمار می آید؟ فرمود:
 دروغ نوشته می شود. حتی دروغ کوچک هم نوشته می شود: دروغ
 کوچک؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، تصحیح
 هدایت الله مسترحمی و دیگران، بیروت، داراحیاء التراث
 العربی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش، ج ۶۹، ص ۲۵۸.

۲۵. «وَلَمَّا فُجِعَ بِأَهْلِ بَيْتِهِ وَوَلَدِهِ وَلَمْ يَبْقَ غَيْرُهُ وَغَيْرُ النِّسَاءِ
 وَالْأَطْفَالِ وَغَيْرُ وَلَدِهِ الْمَرِيضِ، نَادَى: هَلْ مِنْ ذَابٍّ يَذُبُّ عَنْ حَرَمِ
 رَسُولِ اللَّهِ؟ هَلْ مِنْ مُوَحِّدٍ يَخَافُ اللَّهَ فِينَا؟ هَلْ مِنْ مُغِيثٍ يَرْجُو
 اللَّهَ فِي إِغَاثَتِنَا؟ هَلْ مِنْ مُعِينٍ يَرْجُو مَا عِنْدَ اللَّهِ فِي إِعَانَتِنَا؟
 فَارْتَفَعَتْ أَصْوَاتُ النِّسَاءِ بِالْعَوِيلِ، فَتَقَدَّمَ إِلَى بَابِ الْخِيَمَةِ وَقَالَ:
 نَاوِلُونِي عَلَيَّ الطِّفْلَ حَتَّى أُوَدِّعَهُ. فَنَاوَلُوهُ الصَّبِيَّ، فَجَعَلَ يُقَبِّلُهُ
 وَيَقُولُ: وَيْلٌ لِهَؤُلَاءِ الْقَوْمِ إِذَا كَانَ خَصْمُهُمْ جَدَّكَ! فَبَيْنَا الصَّبِيَّ فِي
 حِجْرِهِ إِذْ رَمَاهُ حَزْمَلَةُ ابْنِ الْكَاهِلِ الْأَسَدِيِّ، فَذَبَحَهُ فِي حِجْرِهِ
 فَتَلَقَّى الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَمَهُ حَتَّى امْتَلَأَتْ كَفُّهُ ثُمَّ رَمَى بِهِ نَحْوَ السَّمَاءِ
 وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنْ حَبِسْتَ عَنَّا النَّصْرَ فَاجْعَلْ ذَلِكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَنَا،
 ثُمَّ نَزَلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ فَرَسِهِ وَحَفَرَ لِلصَّبِيِّ بِجَفْنٍ سَيْفِهِ وَزَمَلَهُ
 بِدَمِهِ وَصَلَّى عَلَيْهِ»، آن گاه که امام به اهل بیت و فرزانش داغدار
 شد و جز زنان و کودکان و فرزند بیمارش کسی نماند، ندا کرد: آیا
 دفاع کننده ای هست که از حرم رسول خدا ﷺ دفاع کند؟ آیا
 خداپرستی هست که در خصوص ما از خدا بترسد؟ آیا یاری کننده
 ای هست که با کمک به ما، امید یاری از خدا داشته باشد؟



صدای زنان به ناله بلند شد و امام به در خیمه آمد و فرمود:
طفلم علی را به من دهید تا با او خداحافظی کنم. بچه را به او
دادند و امام او را بوسید و فرمود: وای بر این مردم که طرف و
خصمشان جدّ توست. در همین حال که بچه در بغل امام بود،
حرمله بن کاهل اسدی، تیری انداخت و او را در بغل پدر کشت.
حسین علیه السلام، مشت خود را از خون او پر کرد و به آسمان پرتاب کرد و
فرمود: خدایا! اگر پیروزی با ما نیست به جای آن خیر ما را قرار
بده. سپس از اسبش پیاده شد و با غلاف شمشیر، گودالی کند و
طفل را آغشته به خون، به خاک سپرد و بر او نماز خواند؛ اخطب
خوارزم، موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه السلام، تحقیق محمد
سماوی، قم، أنوارالهدی، چاپ دوم، ۱۴۲۳ ق، ج ۲، ص ۳۶ و
۳۷.